

بقلم: آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## آقا شیخ عبدالحمین رشتی متخلص به صحاب

۱۲۹۲ - ۱۳۷۳ ه. ق

۱- آقا شیخ عبدالحمین بن شیخ عیسی بن شیخ یوسف بن شیخ علی گیلانی. پدراش همه عالمان دین بودند، در سال هزار و دویست و نود و دو هجری قمری در کربلا متولد شد. پس از چهار سال که در کربلا و نجف بود با پدر رهسپار گیلان گشت تا سال هزار و سیصد و نه هجری قمری در رشت مشغول تحصیل گردید.

۲- در عصر شیخ ما تحصیلات اساسی در مدرسه های علوم معقول و منقول بود مانند:

۱- مدرسه مستوفی ۲- مدرسه حاج سمیع ۳- مدرسه نائب الصدراع- مدرسه صالح آباد در هر یک از این مدارس باشکوه روحانی دهها جوان گیلانی در علوم ادبی و اسلامی در نزد اساتید درس میخواندند، از موقوفه های مدرسه به طلاب کمک تحصیلی میدادند و علمای روحانی گیلان. از جوه شرعی بفضلاى طلبهها همراهی میکردند کمتر طلبه ای را بی نوا میگذاشتند تا با آسایش و آرامش خاطر درس خواند و عالم گردد.

۳- استادان زمان شیخ ما که از درس آنان استفاده نمود اینان بودند

۱- آقا شیخ جواد مجتهد رشتی ۱ ۲- حاج سید عبدالباقی موسوی مشهور بحجة الاسلام ۳- حاج میرزا محمدعلی امام جمعه رشتی مؤلف کتاب تناسخ و تماسخ «چاپ تهران» ۴- آقا شیخ طاهر رودباری ۵- آقا شیخ محمدعلی سیگارودی مؤلف

۱- نگاه کنید برساله شیخ مرتضی انصاری و شاگردان او بقلم نگارنده این سطور در مجله ارمغان.

- کتاب بضاعة الموحدين «چاپ تهران» ۶- آقا شیخ عیسی رشتی «پدر شیخ ما» ۷-  
 آقا شیخ محمد رضا لشته نشائی ۸- حاجی خمami ۹- ملامهدی معلم ۱۰- آقا شیخ  
 محمد تقی خنجی ۱۱- ملا احمد خورگامی ۱۲- شیخ حسین همدانی
- ۴- زمان شیخ ما در هردیه و شهری چند مجتهد و عالم روحانی بود که در  
 علوم معقول و منقول صاحب نظر بودند، بعضی از آنان تألیفاتی بعربی و فارسی از  
 خود بیادگار گذاشتند گروهی هم صاحب ذوق بودند و اشعاری بعربی و فارسی می-  
 سرودند که شرح احوالشان در بعضی از تذکره‌ها ثبت است.
- ۵- شیخ ما چون جوان هوشمندی بود محیط پربرکت و دانش پرور آن روز  
 گیلان را برای خود کوچک دید ناچار بهتران رهسپار شد تا بهتر بتواند در تکمیل  
 تحصیلات خود کوشش کند.
- ۶- شیخ ما گفت در آن وقتیکه بهتران رفت همه آشنایان و دوستان در تعجب  
 بودند که چگونه ترك آسایش و آرامش گیلان را نمود و بسوی عراق رهسپار  
 گردید، آن زمان‌ها بیجز گیلان و مازندران را عراق می‌گفتند، در راه تهران در  
 آخر رشت آن روز رودخانه‌ای است پل رودخانه را هنوز هم پل عراق نامیدندی،  
 کمتر کسی بود که ناز و نعمت گیلان آن روز را ترك کند و بانان و آب عراق زیست  
 کند و بسربرد.
- ۷- شیخ ما تا سال هزار و سیصد و بیست و یک هجری قمری در تهران در نزد  
 استادان بنام درس میخواند و بگروهی از هوشمندان جوان درس می‌گفت، این شیوه  
 پسندیده‌ای است مابین طالبان علوم اسلامی که درس میخوانند و هم درس میگویند  
 و بقول طلاب «الدرس حرف والتکرار الف»
- ۸- استادان بنام تهران که شیخ ما نزد آنان درس خواند ۱- آقا شیخ علی  
 نوری ۲- آقا میر شهاب‌الدین تبریزی شیرازی ۳- آقا میرزا ابوالحسن جلوه

از میرزای جلوه داستانه‌های دلکشی شیخ ما گفت که در شرح احوال و آثار حکیم جلوه آنها را نقل نمودم<sup>۱</sup>

۴- آقا میرزا علی اکبر یزدی ۵- آقا میرزا محمود قمی ۶- حاج میرزا حسن آشتیانی<sup>۲</sup> ۷- آقا سید عبدالکریم لاهیجانی ۸- میرزا حسین سبزواری ۹- میرزا جهان بخش بروجردی

اینان از اساتید علوم معقول و منقول تهران بودند شرح احوال و آثار علمی ایشان شایسته مطالعه و تحقیق است.

۹- مشیرالدوله و مؤتمن الملک پیرنیا فلسفه اسلامی و ادبیات عرب را نزد شیخ ما درس خواندند و ایشان هم زبان فرانسه را نزد آنان آموخت.

۱۰- شاگرد بنام شیخ ما در تهران آقا شیخ محمد عبده بروجردی مؤلف کتاب بسیار نفیس «حقوق مدنی» و کتاب «قواعد فقه» چاپ تهران است عبده در تهران در نزد شیخ ما درس خواند و از قضات دانشمند و از اساتید بزرگ تهران بشمار میرود.

۱۱- حاج میرزا حسن آشتیانی چون جریزه و ملکه اجتهاد و تحصیلات عالی شیخ ما را دید و پسندید دانست که از شاگردان فاضل حوزه علمی است اجازه اجتهاد بشیخ ما عطا فرمود و تقلید را بر او حرام دانست این گونه اجازات انگشت شمار برای مجتهدان و فضلا نوشته میشد بدان سبب ارزش گرانبهائی داشت.

۱۲- در آغاز بیداری ایران طلاب علوم اسلامی پرچم دار آزادی و مساوات و برادری بودند، تمدن جدید و فرهنگ غرب هنوز چشمان توده را خیره و تار نساخته بود، روحانیان حکومت معنوی بر مردم داشتند، پیش کسوتان آزادی با

۱- تاریخ فلاسفه اسلام تألیف نگارنده ۲ جلد چاپ تهران.

۲- نگاه کنید برساله شیخ مرتضی انصاری و شاگردان او بقلم نگارنده این سطور

درسال ۲۹ مجله ارمغان.

طلبه‌های هوشمند و فاضل همکاری و هم‌آهنگی مینمودند. نیروی روحانی و معنوی روشن‌فکران بود که سلطنت استبدادی را واژگون ساخت و حکومت مشروطیت را در ایران اعلام داشت.

۱۳- از پیران روشن‌فکر و بزرگان صدر مشروطیت بارها شنیده شد که شیخ ما در صف اول طلبه‌های آزادیخواه تهران بود با جنبش طلبه‌ها و روحانیان بر علیه پیدادگری مستبدان کوشش میکرد و جانفشانی مینمود.

۱۴- ۱- مدرسه صدر ۲- مدرسه سپهسالار قدیم ۳- مدرسه خان مروی ۴- مدرسه حاج ابوالفتح ۵- مدرسه معمار باشی ۶- مدرسه دارالشفاء ۷- مدرسه مادر شاه ۸- مدرسه سید ناصرالدین ۹- مدرسه شیخ عبدالحسین ۱۰- مدرسه سپهسالار جدید ۱۱- مدرسه محمدیه ۱۲- مدرسه حاج ابوالحسن وزیر امور خارجه «اسبق»<sup>۱</sup> جنب سقاخانه نوروزخان.

جایگاه طلبه‌ها بود که در علوم معقول و منقول و ادبیات درس می‌خواندند و برای آزادی هم فداکاری میکردند.

۱۵- شیخ ما در جگر که طالبان علوم اسلامی بود که درس خوب خوانده بود و عبا و عمامه در برداشت، از جرگه فضلا و علماء تهران بشمار میرفت مردم بگروه طلاب با دیده احترام می‌نگریستند، بنا بر این دشمنان آزادی نتوانستند بهانه‌ای بدست آورند و چماق تکفیر را بر سر فضایی اهل علم و باایمان بکوبند؛ مجالی برای مزدوران استبداد و بیگانه پرستان نبود که هوچی‌گری راه اندازند و جارچیان مسخره جار زنند «ایها الناس بگیریید که این هم بایی است»!!

۱- در حدود بیست و سه سال است که متصدیان و متولیان قسمت بیشتر مدرسه را به بازاریان از خدا بی‌خبر فروختند و وقف را تبدیل بملك نمودند تجارتخانه‌ها و پاساژ ساختند بازار تجارتمی در آنجا بنا نهادند قسمت كوچك مدرسه را هم بروشنی چشم اوقاف و فرهنگ مستراح عمومی و انبار قاچاق قراردادند!!!

روشن فکران و آزادیخواهان با کمک علمای روحانی در پناه طلبه ها و ملایان و مردم پا کداهن توانستند سلطنت استبدادی قاجار را تبدیل بمشروطیت سازند « دریغ از راه دور ورنج بسیار !! »

۱۶- شیخ ما در سال هزار و سیصد و بیست و یک هجری قمری از تحصیلات تهران بی نیاز شد ، با آنکه مجتهد و جامع علوم معقول و منقول بود رهسپار نجف گشت تا در نزد استادان بنام جهان شیعه تحصیلات عالی خود را بی پایان رساند.

۱۷- استادان بزرگ جهان تشیع در عصر شیخ ما اینان بودند :

۱- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۲- آقا سید محمد کاظم یزدی ۳- حاج شیخ محمد حسن مامقانی ۴- آقا میرزا محمد علی مدرسی چهاردهی ۵- شریعت اصفهانی که صدها طلبه فاضل از حوزه درس ایشان بهره مند میشدند<sup>۱</sup>

۱۸- شیخ ما در حوزه های درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر میشد تحصیلات خود را نزد این استادان تکمیل نمود و از استادان خود و آقا سید ابوتراب خونساری و آخوند ملا محمد علی خونساری اجازات اجتهاد و روایت حدیث دریافت کرد .

۱۹- این است تألیفات شیخ ما :

۱- شرح کتاب کفایة الاصول « در اصول فقه » بعربی در دو جلد چاپ نجف. این کتاب خلاصه دروس استاد خراسانی است که بقلم شیخ ما بعربی نوشته است در مدت پنجاه سال برای بسیاری از طالبان علوم دینی از عرب ، ایرانی ، هندی و افغانی این کتاب را درس میدادند .

کتاب شرح کفایه شیخ ما از کتب متوسط علم اصول فقه است ۲- کتاب الثمرات - در اصول فقه « بعربی » ۳- رساله در رضاع « فقه » بقارسی ۴- حواشی بر

۱- نگاه کنید به رساله شیخ مرتضی انصاری و شاگردان او بقلم نگارنده این سطور

کتابهای ۱- جواهر الکلام « در فقه » ۲- ریاض « در فقه » ۳- مکاسب شیخ انصاری « در فقه » ۴- فرائد الاصول انصاری

۵- رساله فی الوقف ۶- رساله فی البداء ۷- رساله فی الرهن ۸- رساله فی الغیبه  
۸- جزوات « فارسی » متفرقه ۹- اطوار: مجموعه ایست در ادب، تاریخ، فلسفه، کلام عرفان، نوادر آثار ۱۰- کشف الاشتباه بعربی

نگارنده ناچیز این سطور در آن وقت که در نجف اشرف تحصیل علوم اسلامی میکرد موسی جارالله از مسلمانان مهاجر به عراق عرب آمد و چند ایراد بر مذهب جعفری گرفت گویا استاد مذهب اهل سنت و جماعت داشت آقایان آقا سید محسن امین مؤلف کتاب « اعیان الشیعه » و آقا سید شرف الدین عاملی و شیخ ما پاسخ دندان شکنی بر کتاب الوشیعه موسی جارالله نوشتند و بچاپ رسیده مورد توجه فضلاء جهان اسلام قرار گرفت شیخ ما کتاب خود را بنام کشف الاشتباه نامید و در هند و طهران بعربی دوبار چاپ گردید و بزبان اردو ترجمه و در هند چاپ شد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز تحقیقات اسلامی

دلقت بچه کار آید و تسبیح و مرقع

خود را ز عمل های نکوهیده بری دار

حاجت بکلاه ترکی داشتنت نیست

درویش صفت باش و کلاه تتری دار

( سعدی )